



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

اشتباه بزرگ زلنسکی

درگیری‌ای که در کاخ سفید و در مقابل دوربین‌ها بین ترامپ و زلنسکی رخ داد، از آن دسته‌ی بحث‌هایی است که در نشست‌های خصوصی بین رهبران جهان رخ می‌دهد. هر چند از نظر افکار عمومی، این رخداد بی‌سابقه بوده است. هر دو طرف در بروز این درگیری نقش داشته‌اند اما باید اذعان کرد که زلنسکی حماقت بیشتری به خرج داد چرا که اوست که در سمت ضعیف ماجرا ایستاده است. دلایل متعددی برای وقوع این درگیری وجود دارد اما مهمترین دلیل تفاوت بنیادی نگاه دو طرف درباره زلنسکی، مثل بسیاری دیگر در ساختار سیاسی آمریکا و اروپا همه تقصیرها را به گردن روسیه می‌اندازد و معتقد است که دولت روسیه نه تنها به دنبال اهداف حداکثری در اوکراین است بلکه قصد دارد به کشورهای حوزه بالتیک و عضو ناتو حمله کند. بنابراین زلنسکی باور ندارد که مذاکره ممکن باشد و یا اینکه دوام داشته باشد. مگر اینکه اعضای اروپایی ناتو نیرویی برای دفاع از اوکراین فراهم کرده و حمایت تمام و کمال آمریکا را جلب کنند. از آنجایی که روس‌ها مکرر این دیدگاه را رد کرده‌اند، تعیین چنین شروطی در مذاکرات به این معنا خواهد بود که قرار نیست صلحی در کار باشد و جنگ برای مدت‌زمان نامعینی ادامه خواهد یافت. ترامپ و جی‌دی‌ونس، براساس نگاه خودشان به دنیا و روابط بین‌الملل، درست بر عکس فکر می‌کنند و معتقدند که روسیه دلایل مشروعی برای ادراک تهدید از جانب اوکراین داشته و امنیت و منافع حیاتی خود را در خطر می‌دیده است. آنها معتقدند که این جنگ، بخشی از درگیری ژئوپلیتیک بزرگ بین غرب و روسیه بر سر گسترش ناتو و نظم امنیتی اروپا است. در غیاب دیپلماسی، ترامپ و ونس معتقدند که چرخه کش‌ها و واکنش‌ها در این درگیری ژئوپلیتیک، تنها تسریع خواهد شد و خطر وقوع جنگ جهانی سوم در پیش خواهد بود. ترامپ و ونس پوتین را بازیگری بی‌رحم اما منطقی می‌دانند که توافق خواهد کرد و به توافق پایبند خواهد بود اگر این توافق شرایط اساسی روسیه را برآورده کند. آنها معتقدند که پوتین هیچ قصدی برای حمله به کشورهای عضو ناتو ندارد. فراتر از آن، ترامپ و ونس مصمم هستند که فراتر از مرزهای فعلی ناتو، هیچ تعهد امنیتی دیگری به اروپا ندهند. بنابراین وقتی که زلنسکی در کنفرانس مطبوعاتی به آنها فشار آورد تا ارتش آمریکا را به‌عنوان نیروی حافظ صلح اروپا به اوکراین بفرستند، از کوره در رفتند. اگرچه سخنان ترامپ خطاب به زلنسکی به شدت غیردیپلماتیک بود، شاید بتوان گفت که ترامپ در پاسخ به یک سوال جمله‌ای دیپلماتیک بر زبان آورد و آن این بود که «تواز من می‌خواهی درباره پوتین سخنان بدی به زبان بیاورم و بعد به او بگویم هی ولادیمیر! چطور است با هم توافق کنیم؟» در ادامه ترامپ جمله‌ای بر زبان آورد که حقیقت بود اما اغلب در ساختار سیاست‌خارجی و امنیتی آمریکا فراموش شده و آن اینکه «مسئولیت اول اون نسبت به ایالات متحده آمریکا است.» به نظر می‌رسد که زلنسکی هنوز متوجه تفاوت دولت ترامپ با دولت بایدن و یا دولت‌های اروپایی نشده است. زلنسکی و دیگر مقامات اوکراینی عادت کرده‌اند از دولت‌های غربی در رسانه‌ها انتقاد کنند که چرا به اوکراین کمک نمی‌کنند. آنها مدام در رسانه‌ها، در جلسات سخنرانی و در پارلمان‌های کشورهای غربی این درخواست کمک را تکرار می‌کنند. معمولاً وضعیت این بوده که اغلب بعد از این سخنان، دولت بایدن و دولت‌های اروپایی به خواسته‌های اوکراین پاسخ مثبت می‌دادند. ظاهراً باور شده که فشار افکار عمومی و باج‌گیری اخلاقی از واشنگتن، هنوز هم می‌تواند راه چاره‌ای برای روبه‌رو شدن با ترامپ باشد. گفته می‌شود زلنسکی در حالی وارد اتاق ملاقات با ترامپ شده که از سوی مشاوران کمترین توصیه‌ها به او شده بود. سفیر اوکراین در اتاق دیدار دیده شد در حالی که دست‌هایش را روی صورتش گرفته بود و البته او حق داشت که اینطور پریشان باشد. واکنش ترامپ و ونس به ابراز فشار زلنسکی بسیار متفاوت بود. البته لازم هم نبود که اینطور با او برخورد شود.



عکس: AFP

ساختار ذهنیت روس‌ها در باره مذاکرات صلح

مسکواز صلح اوکراین برای تثبیت نگاه به شرق استفاده می‌کند

نسبت به گسترش احتمالی ماشین نظامی روسیه به سمت غرب ابراز نگرانی کرده‌اند. علاوه بر این، جریان اصلی پناجویان اوکراینی به جای اینکه به ایالات متحده بروند، به کشورهای اتحادیه اروپا سرزیر شده‌اند و این مسئله نیز نشان می‌دهد اروپایی‌ها تأثیر پذیری بیشتری در این درگیری دارند. واکنش افکار عمومی روسیه به این بحث‌ها متفاوت است. برخی سکوت کرده‌اند و برخی محتاطانه ابراز نظر می‌کنند و برخی نیز به آینده خوش بین‌اند. عموم مردم روسیه می‌دانند که پیشرفت مذاکرات مستلزم رد و بدل شدن امتیاز است و روسیه نیز باید به امتیازاتی دست یابد، روس‌ها خوب می‌دانند که نمی‌توان جادو کرد و جنگی که سه سال است در جریان است و صدها هزار نفر کشته بر جای گذاشته را در یک روز پایان داد. با این حال، در ابتدا واکنش بازارهای روسیه به آغاز مذاکرات روسیه و آمریکا خوش‌بینانه بود. پس از اولین تماس تلفنی پوتین و ترامپ، رشد سرمایه به ۵۰۰ میلیارد روبل (۵/۷ میلیارد دلار) رسید. این جنب و جوش در بازارهای روسیه، ناشی از احتمال لغو تحریم‌های روسیه است. در حال حاضر شایعاتی مبنی بر بازگشت ویزا و مسترکارت به روسیه وجود دارد اما بازار سهام روسیه پس از اینکه هیچ توافق ملموسی از اجلاس عربستان سعودی به دست نیامد، سقوط کرد. نظرسنجی‌های انجام‌شده در آستانه تحلیف ترامپ نشان داده بودند که افکار عمومی روسیه انتظارات خود را قبل از دوره دوم ریاست‌جمهوری او اندکی کاهش دادند. براساس نظرسنجی‌ها، کمی بیش از ۵۰ درصد از روس‌ها باور نداشتند که ترامپ به وعده خود برای حل مناقشه اوکراین ظرف شش ماه عمل کند. شک و تردید آنها ممکن است به دلیل لغافته مدام در حال تغییر ترامپ و وعده‌های بیش از حد بلندپروازانه او باشد. اما چیزی که هنوز در افکار عمومی روسیه به چشم می‌خورد، تمایل آنها به پایان جنگ است. نظرسنجی‌ها در ماه ژانویه نشان داده‌اند که ۶۱ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند مذاکرات صلح در اوکراین باید فوراً آغاز شود، در حالی که ۳۱ درصد معتقد بودند که جنگ باید ادامه یابد که این پایین‌ترین رقمی است که تاکنون مشاهده شده است. اما موضوع اصلی حل مناقشه اوکراین، درک جایگاه مسکو در همسایگی با غرب است. روسیه نتوانسته است به خودکفایی برسد. همچنان به فناوری‌ها و کالاهای وارداتی غرب وابسته است. علاوه بر این، روسیه به سرمایه‌گذاری و درآمد ارزی نیاز دارد. برنامه‌های مسکو برای کاهش شدید هزینه‌های صندوق رفاه ملی در سال جاری به خوبی این ادعا را اثبات می‌کند. مسکو حتی قصد ندارد از منابع این صندوق برای پوشش کسری بودجه هزینه کند. در حالی که سال گذشته ۱/۳ تریلیون روبل برای این منظور استفاده کرد. احیای روابط با غرب، شامل اتحادیه اروپا، هدفی غیرواقعی به نظر می‌رسد. از تأثیر منفی تحریم‌ها که بگذریم، مانع اساسی‌تر سد احیای روابط با غرب است و آن اینکه هر دو

می‌گیرند. روابط روسیه و اروپا در اغلب دوره‌ها خصمانه بوده است اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور اتحادیه اروپا، قاره اروپا، کشورهای شرق اروپا که دیگر از حضور روسیه پاکسازی شده بودند، به‌عنوان فرصت‌هایی برای توسعه نفوذ سیاسی و نظامی خود در نظر گرفت. در نتیجه این سیاست، شرق اروپا، حداقل از نگاه روسیه، به یک تهدید نظامی فوری برای کرملین تبدیل شد. روسیه نیز در واکنش به این تحولات، توجه خود را به سمت مرزهای غربی خود با اروپا معطوف کرد. نقش آفرینی ایالات متحده در این درگیری صرفاً به این دلیل بود که اروپا متحد اصلی آمریکا محسوب می‌شد. شعله‌ور شدن آتش جنگ در اوکراین ناشی از همین بن‌بست طولانی مدت است؛ روسیه نه می‌تواند در همسایگی یک دولت صدروس در اوکراین روزگار بگذراند و نه می‌تواند حمایت اتحادیه اروپا و آمریکا از کی‌یف را در جنگ تحمل کند.

به همین دلیل بود که افکار عمومی در روسیه به صورت کلی مشتاق پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری بودند؛ چراکه او قول داده بود این جنگ را از همان روزهای نخستین ورودش به کاخ سفید، پایان دهد. هر چند ترامپ هنوز موفق به انجام این کار نشده اما بسیاری از روس‌ها معتقدند که حداقل ترامپ فردی است که مقامات ارشد روسیه می‌توانند با او مذاکره کنند. این نکته بسیار مهم است چرا که روس‌ها بر این باورند ایالات متحده آمریکا قدرت قوی‌تری است که اگر بخواهد می‌تواند به این جنگ پایان دهد و یا باعث ادامه جنگ شود.

ترامپ می‌گوید جنگ در اوکراین یک جنگ اروپایی است و ربطی به آمریکا ندارد. از بسیاری جهات او درست می‌گوید. این اروپا است که به روسیه نزدیکی جغرافیایی دارد و آمریکا یک اقیانوس با اروپا فاصله دارد. این اروپایی‌ها هستند که

مسیر آشتی واقعی میان آمریکا و روسیه، چه رسد به برقراری صلح پایدار در اوکراین، مسیری طولانی و پریچ و خم است. به نظر می‌رسد دیپمتری پسکوف، سخنگوی کرملین نیز با این برداشت موافق باشد. او پس از برگزاری نشست آمریکا و عربستان سعودی گفت، به‌رغم اینکه این نشست اولین گام در بازسازی روابط بود، اما به تنهایی نمی‌تواند رسیدن به یک نتیجه مثبت و نهایی را تضمین کند.



آرمین منتظری

دبیر گروه بین‌الملل و دیپلماسی

گزارش‌هایی که درباره مذاکرات صلح اوکراین در عربستان سعودی بین ایالات متحده و روسیه و بدون حضور اوکراین برگزار شد، نشان می‌دهد که نوعی آشتی در حال انجام است. در تاریخ ۱۹ فوریه، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که روسیه و ایالات متحده «شروع به دور شدن از آستانه از درگیری» کرده‌اند و اکنون بر روابط دو جانبه دو کشور «جو مثبتی» حکم فرماست. او از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده به دلیل اینکه اولین رهبر غربی است که موضوع مسکو در قبال اوکراین و ناتورا درک می‌کند، تمجید کرد. کمی بعد نیز واشنگتن مانع استفاده از کلمه «متجاوز» در بیانیه گروه ۷ برای توصیف حمله روسیه به اوکراین شد.

با این حال، مسیر آشتی واقعی میان آمریکا و روسیه، چه رسد به برقراری صلح پایدار در اوکراین، مسیری طولانی و پریچ و خم است. به نظر می‌رسد دیپمتری پسکوف، سخنگوی کرملین نیز با این برداشت موافق باشد. او پس از برگزاری نشست آمریکا و روسیه در عربستان سعودی گفت، به‌رغم اینکه این نشست اولین گام در بازسازی روابط بود، اما به تنهایی نمی‌تواند رسیدن به یک نتیجه مثبت و نهایی را تضمین کند.

این سخنان تا حدی منعکس‌کننده نگاه روسیه به پس‌زمینه‌ایست که مذاکرات براساس آن انجام می‌شود. مفهوم غرب از نگاه روس‌ها به صورت سنتی اشاره به اروپا دارد نه ایالات متحده آمریکا. جالب است که حتی برخی تحلیلگران آمریکایی نیز ارجاع روسیه به این مفهوم را اشتباه